

جنگ اسرائیل علیه ایران، دیپلماسی را نابود کرد؛ آمریکا می‌تواند آن را احیا کند.

سید عباس عراقچی

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

تنها در پنج دیدار طی نه هفته، من و استیو ویتکاف، فرستاده ویژه آمریکا، بیش از آنچه در چهار سال مذاکرات هسته‌ای ایران با تیم شکست‌خورده بایدن حاصل شده بود، پیشرفت کردیم. ما در آستانه دستیابی به یک گشایش تاریخی بودیم.

با هدف پرداختن به اصل اختلاف - یعنی دغدغه‌های ایالات متحده مبنی بر احتمال انحراف برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران در آینده - گفت‌وگوهایی صریح و مفصل، از جمله درباره آینده غنی‌سازی اورانیوم ایران، انجام شد. چندین راهکار بُرد-بُرد روی میز بود؛ راهکارهایی از سوی هر دو طرف و همچنین میانجی‌عمانی، ارائه گردیده بود.

همچنین با همان میزان اهمیت، بر پایان قطعی تحریم‌ها و مشارکت ایالات متحده در همکاری‌های اقتصادی گسترده‌ای تمرکز کردیم که می‌توانست فرصتی معادل یک تریلیون دلار را فراهم آورد. ایران آماده همکاری متقابلاً سودمندی بود که می‌توانست اقتصاد کشور را به حرکت درآورد، در حالی که اولویت رئیس‌جمهور ترامپ برای معکوس کردن روند صنعت‌زدایی و احیای صنایع رو به افول آمریکا — از جمله در بخش انرژی هسته‌ای — را نیز محقق سازد.

اوضاع - به‌ویژه پس از تبادل مکرر پیام‌ها کاملاً رو به جلو بود. اما تنها ۴۸ ساعت پیش از ششمین دیدار سرنوشت‌ساز در عمان، رژیم اسرائیل بی‌هیچ دلیلی به کشورم حمله کرد. علاوه بر سایتهای هسته‌ای تحت پادمان، مناطق مسکونی، بیمارستان‌ها، زیرساخت مهم انرژی و حتی زندان‌ها بمباران شدند. سلسله‌ای از ترورهای بزدلانه — از جمله قتل بی‌رحمانه استادان دانشگاه همراه با همسران و فرزندان‌شان - نیز انجام شد. این تجاوز وحشیانه خیانتی عمیق به دیپلماسی بود. در شرایطی که گفت‌وگوها در حال شتاب گرفتن بود، این بمباران وحشیانه پیامی روشن و صریح ارسال کرد: اسرائیل جنگ را بر حل و فصل مسالمت‌آمیز مسائل ترجیح می‌دهد.

رژیم اسرائیل بار دیگر به دروغ مدعی شد حملات هوایی‌اش برای جلوگیری از ساخت سلاح هسته‌ای توسط ایران انجام شده است. اما واقعیت چیز دیگری است؛ ایران به‌عنوان یکی از بنیان‌گذاران معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، همواره برنامه هسته‌ای خود را تحت نظارت سازمان ملل متحد صلح آمیز نگه داشته است.

ایران، همان‌گونه که شایسته هر ملت باعزت است، در برابر تجاوز آنچنان با قاطعیت ایستادگی کرد که رژیم اسرائیل ناچار شد برای پایان آن به رئیس‌جمهور ترامپ التماس کند.

باید به‌روشنی درک شود که ایران، پس از این خطای طرف مقابل، اکنون با دوچندان احتیاط عمل می‌کند. تعهدی که تاکنون - مسئولانه - برای پرهیز از یک جنگ تمام‌عیار منطقه‌ای از خود نشان داده‌ایم، هرگز نباید نشانه‌ی ضعف تلقی شود. ما از سرزمین خود با تمام قدرت در برابر هرگونه حمله‌ی احتمالی در آینده دفاع خواهیم کرد. اگر آن روز فرا برسد، بی‌تردید توان واقعی خود را آشکار خواهیم کرد تا هرگونه توهّم درباره‌ی قدرت ایران از میان برداشته شود.

بی‌نیاز از توضیح است که پیشرفت‌های به‌دست‌آمده در پنج دور گفت‌وگوی میان ایران و آمریکا، نه از سوی ایران بلکه به دست "به‌ظاهر متحد" ایالات متحده، عملاً تخریب شد. افزون بر این، تصمیم مخرب آمریکا برای تن دادن به فشارها و نقض حقوق بین‌الملل و معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (NPT) از طریق بمباران تأسیسات هسته‌ای تحت پادمان، خود گویای همه چیز است.

اکنون که ایران در روزهای اخیر پیام‌هایی مبنی بر آمادگی احتمالی ایالات متحده برای بازگشت به مسیر مذاکرات دریافت کرده، این پرسش به‌درستی مطرح است که ما چگونه می‌توانیم به تعامل جدیدی اعتماد کنیم؟ باید به یاد داشت که ایران در سال ۲۰۱۵ یک توافق هسته‌ای جامع با شش کشور، از جمله ایالات متحده، امضا کرد؛ توافقی که دولت آمریکا کمتر از سه سال بعد به‌صورت یکجانبه از آن خارج شد. پس از آن نیز، زمانی که ایران با حسن نیت با آغاز دور جدیدی از مذاکرات موافقت کرد، این حسن نیت با حمله‌ی دو ارتش مجهز به سلاح هسته‌ای پاسخ داده شد.

اگر چه ایران طبق اصول ثابت خود به دیپلماسی علاقه‌مند است، با این حال، دلایل قابل‌توجهی برای بی‌اعتمادی نسبت به ادامه‌ی گفت‌وگو با ایالات متحده وجود دارد. اگر واقعاً تمایلی برای حل‌وفصل مسالمت‌آمیز این موضوع وجود دارد، ایالات متحده باید آمادگی واقعی خود را برای دستیابی به یک توافق عادلانه نشان دهد. واشنگتن همچنین باید بداند که اقداماتش در هفته‌های اخیر وضعیت و شرایط را کاملاً دگرگون کرده است.

ایرانیان هرگز تن به تسليم نخواهند داد. ايران تمدنی چند هزار ساله است که از دل حملات و تهاجمات بی‌شمار، هر بار قوی‌تر از گذشته سر برآورده است. ما همواره صلح را ترجیح داده‌ایم؛ با این حال، همواره این ما بوده‌ایم که تصمیم گرفته‌ایم تجاوز به ملت‌مان چگونه و چه زمانی به پایان برسد. همان‌گونه که محاسبات اشتباه رژیم اسرائیل نشان داد، ایرانیان در برابر متجاوزان متحد، و یکپارچه می‌ایستند.

هرگونه مذاکره‌ای که در سایهٔ جنگ برگزار می‌شود، ذاتاً بی‌ثبات است و گفت‌وگویی که در فضای تهدید دنبال شود، هرگز اصیل و واقعی نخواهد بود. برای آنکه دیپلماسی به موفقیت برسد، باید بر پایهٔ احترام متقابل بنا شود و منافع دو طرف را تضمین کند. به همان اندازه اهمیت دارد که دیپلماسی نباید پیوسته از سوی بازیگران ثالثی که از رسیدن به راه‌حل هراس دارند، هدف تخریب و نابودی قرار گیرد. مردم آمریکا سزاوار آن هستند که بدانند کشورشان دارد به‌سوی جنگی کاملاً قابل اجتناب و بی‌دلیل سوق داده می‌شود—آن هم به‌دست رژیمی خارجی که منافع آن‌ها برایش اهمیتی ندارد. آمریکا باید بداند که این تجاوز، دانشمندانمان و دستاوردهایشان را از هر زمان دیگری برای ما عزیزتر کرده است.

وعده «اول آمریکا» که از سوی رئیس‌جمهور ترامپ مطرح شد، در عمل به «اول اسرائیل» تحریف شده است. مردم آمریکا که هزینه فدا شدن هزاران جان و به هدر رفتن هزاران میلیارد دلار از مالیات‌هایشان در منطقهٔ ما را تجربه کرده‌اند، اکنون به‌نظر می‌رسد به اندازه کافی متوجه این روند مخرب هستند.

مسیر دستیابی به صلح مستلزم آن است که تصمیم‌گیران آمریکایی به این درک برسند که تنها راه پایدار، گفت‌وگوی محترمانه است نه زورگویی بی‌محابا.

انتخاب نهایی با آمریکاست: آیا ایالات متحده سرانجام مسیر دیپلماسی را برمی‌گزیند؟ یا همچنان درگیر جنگی خواهد ماند که متعلق به دیگری است؟